

کاربرد اینترنت بر مبنای خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی در دانشجویان دانشگاه اصفهان

بی‌بی عشرت زمانی*

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

لیلا دهقانی پوده

کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شناخت دیدگاه و ادراک دانشجویان دختر و پسر نسبت به کاربرد اینترنت و تعیین نوع استفاده آن‌ها از اینترنت بود، هدف دیگر این پژوهش بررسی رابطه بین خرده مقیاس‌های نگرشی یعنی خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی با نوع استفاده از اینترنت بود. به این منظور ۴۲۱ دانشجوی دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی انتخاب شدند و در بین آن‌ها پرسشنامه سه بخشی شامل: الف) اطلاعات جمعیت‌شناختی، نوع و میزان استفاده از امکانات اینترنت، ب) پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی دانیف و کافروس (۲۰۰۲) و ج) پرسشنامه محقق ساخته کلیشه‌های جنسیتی توزیع شد. یافته‌ها نشان داد که بین خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که پسران نسبت به دختران خودکارآمدی بالاتری داشتند و از کلیشه‌های جنسیتی منفی کم‌تری بهره‌مند بودند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که بین خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی با نوع کاربرد اینترنت رابطه معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که هرچه دانشجویان از کلیشه‌های جنسیتی منفی کم‌تری بهره‌مند بوده و خودکارآمدی بالاتری داشته باشند به همان نسبت میزان استفاده آن‌ها از اینترنت به‌طور متنوع‌تری افزایش می‌یابد؛ اگرچه این افزایش در هر دو جنس معنادار مشاهده شد، ولی پسران از ابزارهای گوناگون اینترنتی بیش از دختران بهره می‌گرفتند.

واژگان کلیدی

جنسیت؛ نگرش؛ خودکارآمدی درک شده؛ کلیشه‌های جنسیتی؛ کاربرد اینترنت

* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۸/۱

مقدمه و بیان مسئله

فناوری اطلاعات و اینترنت در محیط‌های یادگیری امروزه به سرعت در حال گسترش است (لیا، هانگ و چن ۲۰۰۷، این امر نه تنها در امر آموزش، بلکه به عنوان یک فناوری قدرتمند و ضروری در تمام عرصه‌های زندگی بشری در جامعه‌ای که بر محور دانش و دانایی است، امری پذیرفته شده است (کینگ یی^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). استفاده از اینترنت در دانشگاه‌ها به عنوان منبعی برای آموزش، پژوهش و ارتباطات با وجود ابزارها و امکانات بالقوه آن در حال گسترش است. به رغم اینکه اینترنت به عنوان یک فن‌آوری فراگیر، به هر فردی اجازه می‌دهد بدون توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی از اینترنت به طوری مساوی استفاده کند، اما با این حال مشاهده می‌شود دختران کم‌تر و به طور متفاوت از پسران از امکانات گوناگون اینترنت بهره می‌گیرند (کمسیون ملی یونسکو، ۱۳۸۴). فناوری اطلاعات، اینترنت و جنسیت از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین مسائل مورد علاقه محققان فناوری اطلاعات و علوم اجتماعی بوده است که به تعامل انسان و ماشین در ارتباط با تفاوت جنسیتی^۲ در رفتار کاربران توجه می‌کند. سرآغاز پژوهش‌های تفاوت‌های جنسیتی مرتبط با فناوری‌های رایانه و اینترنت را می‌توان از دهه ۱۹۹۰ عنوان کرد، مطالعات طولی شرمین و کرام و کل^۳ (۲۰۰۰) در طی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ نشان می‌دهد تفاوت‌های جنسیتی رایانه‌ای در چگونگی تجربه دختران و پسران دانشجویان از اینترنت نیز تداوم یافته است، آن‌ها معتقد هستند هر چند تبعیض‌های جنسیتی در سال‌های اخیر کاهش یافته، لیکن برتری پسران در حیطه رایانه و فناوری‌های مرتبط همانند دهه ۹۰، همچنان به قوت خود باقی مانده است (بنرجی، کانگ و بگچی سن^۴، ۲۰۰۵).

تفاوت جنسیتی کاربران از دو منظر تأمل‌پذیر است: یک جنبه به تفاوت‌های دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و اینترنت در دختران و پسران اشاره می‌کند، به طوری که تحقیقات اولیه نشان می‌دهد زنان در مقایسه با مردان به دلایل متعدد دسترسی کم‌تری به اینترنت داشته و در نهایت کاهش یا فقدان استفاده آن‌ها از اینترنت را در پی داشته است (زمانی، ۱۳۸۵ به نقل از

1. King Yee

2. Gender differences

3. Sherman, Kraam & Cole

4. Banerjee, Kang & Bagchi-Sen



فتلر^۱، (۱۹۸۵).

جنبه دوم توجه به تفاوت‌های جنسیتی در بهره‌گیری به ادراکات و نگرش^۲ دختران و پسران نسبت به فناوری رایانه و اینترنت برمی‌گردد که توجه بسیاری از محققان علوم اجتماعی و حتی آموزشی را به خود جلب کرده است. نگرش نسبت به اینترنت، به احساس خشنودی یا ناخشنودی در کسب فناوری‌های نوین بستگی دارد که باعث رد و قبولی نسبت به فناوری جدید می‌شود (فیشبن و آجزن^۳، ۱۹۷۵: ۳۰) چندین مطالعه نشان داده است که در همه سطوح آموزشی پسران در مقایسه با دختران دسترسی بیش‌تری به رایانه دارند و در کار با رایانه علاقه و لذت بیش‌تری به فراگیری آن دارند (کالیز، کیرین و کاس^۴، ۱۹۸۹: ۸۹-۷۷) که نشان از آنلاین بودن بیش‌تر پسران در مقایسه با دختران است (ویت، آمروسو وهاوارد^۵، ۲۰۰۰، باستانی و میزیان، ۱۳۸۶)، این امر به‌ویژه در فرهنگ‌ها و سنین مختلف هنوز وجود دارد و در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها بیش‌تر رایج است (کچ و مولر و سیوردینگ^۶، ۲۰۰۸: ۱۸۰۳-۱۷۵۹).

در مبانی نظری تفاوت‌های جنسیتی، چندین نظریه معروف در زمینه تفاوت‌های جنسیتی آزمون شده است. به لحاظ تاریخی سه فرضیه اصلی برای این پژوهش‌ها درباره خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی مطرح است:

الف) تفاوت‌های بیولوژیک؛

ب) رفتارهای اکتسابی؛

ج) ترکیبی از هر دو تفاوت‌های بیولوژیک

با مرور نتایج پژوهش‌ها و ناهمخوانی برخی از آن‌ها در زمینه مهارت‌های فنی مثل کامپیوتر و فناوری مرتبط به آن این سؤال مطرح می‌شود که آیا منبع اصلی تفاوت‌های جنسیتی در زمینه توانایی شناختی (مهندسی علوم رایانه و مهارت‌های مرتبط به آن چون طراحی شبکه، سخت‌افزار، نرم‌افزار، تحلیل سیستم‌ها) ناشی از تفاوت ساختاری یا عملکردی در مغز زنان و

1. Fethler
2. Attitudes
3. Fisbein & Azjen
4. Collis, Kirin & Kass
5. Witte, Amoroso & Howard
6. Koch, Muller & Sieverding

مردان است یا جنبه‌های اجتماعی و محیطی عامل عمدهٔ دو جنس در توانایی‌های مذکور است؟ کسانی که به جبرگرایی بیولوژیک معتقد هستند، ساختار یا کنش مغز را برنامه‌ای از پیش تعیین شده تلقی می‌کنند، در این دیدگاه هرگونه تفاوت‌های جنسیتی مشاهده شده به عوامل بیولوژیک ربط پیدا می‌کند. یعنی می‌توان گفت که علت تفاوت دو جنس در توانایی‌های رایانه‌ای به تفاوت در ساختار مغز دو جنس مربوط می‌شود؛ ولی با توجه به تغییر و تحولاتی که در چند دههٔ گذشته در فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی در زمینهٔ استفاده از رایانه و مهارت‌های مربوط به آن رخ داده است، نمی‌توان تنها یک اساس بیولوژیک برای تفاوت بین دو جنس قائل شد. در صورتی که تفاوت‌ها دارای اساس بیولوژیک باشند، نباید در زمینهٔ توانایی‌های دو جنس، تغییرات سریع و متنوعی در فرهنگ‌های مختلف رخ دهد. بر اساس اعتقاد جبرگرایان بیولوژیک، تغییرات نمی‌تواند در مدت کوتاهی رخ دهد، با آموزش از بین برود و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر یابد. در حالیکه دیده می‌شود توانایی‌ها و مهارت‌ها در برخی امور فنی و فضایی کاهش یافته یا به‌طور کلی ناپدید شده است. به‌طور مثال برتری پسران در خرده مقیاس تصورات فضایی و دلایل مکانیکی کاهش یافته است (خسروی، ۱۳۸۲: ۶۱).

طبق الگوی ایسلز^۱ در تبیین تفاوت‌های جنسیتی اگر انتخاب‌های یک فرد متأثر از عوامل انتظار برای موفقیت، ارزش‌ها و امکان‌های در دسترس است و انتخاب‌های افراد بر اساس جایگاه فرهنگی آن‌ها انجام شود، در این صورت جایگاه فشارها و انتظارات اجتماعی و والدینی متفاوتی برای دختران و پسران در جهت انتخاب دوره‌های آموزشی (همان منبع) مانند تکنولوژی و نوع مشاغل و بهره‌مندی از امکانات رخ می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت نظریهٔ جبرگرایی بیولوژیک به تبیین تفاوت‌های جنسیتی در زمینهٔ توانایی‌های شناختی قادر نخواهد بود (برانون^۲، ۱۹۹۹). بلکه، این عوامل بیش‌تر تحت تأثیر عوامل اجتماعی یا رفتارهای متفاوت آموزشی است، به‌طور کلی تمامی نظریه‌های تفاوت‌های جنسیتی که شکل‌گیری رفتارهای جنسیتی و تشکیل مفاهیم مردانه و زنانه را تبیین می‌کند، می‌تواند به نوعی تفاوت‌های جنسیتی را در حیطهٔ رایانه و فناوری‌های مرتبط به آن تبیین کند. تأکید تمامی این نظریه‌ها بر نقش

1. Esleze
2. Broannon



محیط اطراف و جامعه در رشد و تحول نقش‌های جنسیتی است (یعقوبی هشجین، ۱۳۹۲ و مزینی، ۱۳۹۲). رشد و تحول مفاهیم جنسیتی از عناصر پیچیده‌ای تشکیل یافته‌اند که به درجات مختلف، انعطاف‌پذیری افراد در نقش‌های جنسیتی در حوزه فناوری اطلاعات منجر می‌شود. برخی از محققان چون کوپر و ویور^۱ (۲۰۰۳) نیز اهمیت تأثیرات اجتماعی بر تفاوت‌های جنسیتی در حوزه فناوری رایانه و اینترنت را بررسی کردند، آن‌ها در تحقیقات خویش دریافتند والدین و همسالان، محیط‌های آموزشی و کار، به طور کلی فرهنگ و جامعه با هدف پیام‌های سوگیرانه در نگرش‌های جنسیتی مرتبط به تکنولوژی‌ها که اغلب به صورت موانع فرهنگی و اجتماعی تجلی می‌یابند تفاوت‌های جنسیتی را نیز در عرصه فناوری‌های رایانه و ابزارهای مرتبط به آن تشدید می‌کنند (والکر دین^۲، ۱۹۹۰).

تا آنجا که اکثر پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که مردان و زنان از لحاظ زیستی تفاوتی با هم ندارند، بلکه عقاید و دیدگاه‌شان درباره رایانه و مشاغل مرتبط به آن و نحوه کاربردشان از این فناوری متفاوت است؛ پژوهش‌های از این دست، مؤید نکات پیش گفته است و این نکته را می‌افزاید که تفاوت در استفاده از فاوا ماهیتی جامعه‌شناختی دارد و به شرایط اجتماعی فرد مربوط است (کمسیون ملی یونسکو، ۱۳۸۴). این شرایط سبب پیدایش تفاوت‌های افراد در میزان خودکارآمدی و در نهایت میزان استفاده آن‌ها از اینترنت و رایانه می‌شود. در توصیف نقش خودکارآمدی در استفاده از اینترنت، ابتدا مبانی نظری خودکارآمدی و سپس نقش آن در استفاده از فناوری‌ها مطرح می‌شود.

خود کارآمدی در مرکز نظریه شناخت اجتماعی روان‌شناس معروف، از جمله آلبرت بندور، قرار دارد و از شاخص‌های تأثیرگذار بر نگرش کاربران نسبت به کاربرد اینترنت است که بر عقاید و باورهای افراد در اعمال کنترل بر عملکرد و رویدادهای مؤثر زندگی و داوری از توانایی‌های خود در تعامل با افکار، احساسات، انگیزش‌ها و رفتارشان بر آن اشاره کرده و بر آن تأثیر می‌گذارد و عقاید کاربر را با اصطلاحاتی همچون می‌توانم، نمی‌توانم یا اطمینان دارم، نشان می‌دهد (چوهوری و شهاب‌الدین^۳، ۲۰۰۷).

-
1. Cooper & Weaver
 2. Walkerdine
 3. Chowdhury & Shahabuddin

شماری از مطالعات (ماری^۱، ۲۰۰۶؛ لنت و براون و لارکین^۲، ۱۹۸۷) نشان می‌دهد. خودکارآمدی افراد از بهترین پیش‌بینی کننده‌های عملکرد رفتاری افراد به شمار می‌رود که این امر وقتی در حیطه رایانه و فناوری‌های مرتبط با آن قرار می‌گیرد به معنای قضاوت از توانایی شخص در استفاده از رایانه تلقی می‌شود (کومپیو و هیگینز^۳، ۱۹۹۵). کاسدی و اجیوز^۴ (۲۰۰۲) معتقد هستند افرادی که در هنگام استفاده از رایانه احساس ناراحتی می‌کنند، معمولاً افرادی هستند که از نظر خودکارآمدی در سطح پایینی قرار دارند؛ به این معنی افرادی که خودکارآمدی رایانه‌ای پایین‌تری دارند یا نسبت به توانایی خود در کار با رایانه تردید دارند و خود را کاربران با صلاحیت و شایسته‌ای در کار با رایانه نمی‌بیند احتمالاً تمایل کم‌تری به استفاده از رایانه نشان می‌دهند (کنزی، دلکورت^۵، ۱۹۹۱؛ الیور، شاپیرو^۶، ۱۹۹۳)، بر عکس، افراد دارای سطح خودکارآمدی رایانه‌ای بالا نگرش مثبت‌تری به پذیرش و استفاده از سیستم اطلاعاتی دارند و در موقعیت‌های چالش‌برانگیز تلاش، کوشش و پافشاری بیش‌تری از خود نشان می‌دهند (هیل، اسمیت و مان^۷، ۱۹۸۷؛ ونکاتش، دیویس، ۱۹۹۶).

بسیاری از محققان در پژوهش‌ها و مطالعات خود نقش خودکارآمدی رایانه‌ای را در محیط‌های آنلاین بررسی کردند، آن‌ها در یافته‌های خویش متوجه شدند که خودکارآمدی دانشجویان نسبت به اینترنت با کاربرد و عملکرد آن‌ها در محیط‌های یادگیری، که به کمک رایانه انجام می‌شود، رابطه مثبت و معناداری دارد (دیویس، باگری و وارشاو^۸، ۱۹۸۹؛ ایگبار، ایواری^۹، ۱۹۹۵؛ کامپیو، هیگینز، ۱۹۹۵؛ هسو، چیو^{۱۰}، ۲۰۰۳؛ یی، هانگ^{۱۱}، ۲۰۰۳). نتایج این

-
1. Marie
 2. Lent, Brown & Larkin
 3. Compeau & Higgins
 4. Cassidy & Eachus
 5. Kinzie & Delcourt
 6. Oliver & Shapiro
 7. Hill, Smith & mann
 8. Davis, Bagzzi & Warshaw
 9. Igbaria & Iivari
 10. Hsu & Chiu
 11. Yi & Hwang



پژوهش ها نیز توسط (هیل، هانفین^۱، ۱۹۹۷؛ جو، یونگ و چوی^۲، ۲۰۰۰؛ حاسن^۳، ۲۰۰۶؛ تلا^۴، همکاران، ۲۰۰۷) در نقش خودکارآمدی اینترنتی بر راهبردهای یادگیری وب محور و نتایج جستجو در وب تأیید شد.

باندورا (۱۹۹۷) معتقد است که خودکارآمدی همچون عامل شناختی - انگیزشی، بر پدیدآوری تفاوت های فردی و جنسیتی در گستره کارکردهای مختلف آموزشی نقش مهم تری دارد و می تواند تحت تأثیر تفاوت های درون فردی و محیطی قرارگیرد، به طوری که برای تکالیف یکسان، اداراک خودکارآمدی افراد خصوصاً زمانی که مربوط به یک حوزه تخصصی باشد متفاوت ثابت شده است (لنین برینک و پینریچ^۵، ۲۰۰۳).

نتایج اکثر تحقیقات (میورا^۶، ۱۹۸۶؛ چن^۷، ۱۹۸۹؛ کالیز، ویلیامز^۸، ۱۹۸۷؛ وگت^۹، ۱۹۸۷؛ بوش^{۱۰}، ۱۹۹۵) حاکی از ارزش گذاری پسران نسبت به خودکارآمدی خود بیش از دختران در محیط های آموزشی به ویژه در انجام دادن وظایف پیچیده مرتبط با رایانه است. البته، یافته های پژوهشگران نشان می دهد عواملی چون سابقه کار با اینترنت، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی از جمله عواملی هستند که می توانند نگرش دانشجویان دختر و پسر را نسبت به خودکارآمدی و کاربرد اینترنت در سیستم آموزشی که با کمک این فناوری انجام می شود تحت الشعاع قرار دهد (تئو^{۱۱}، ۲۰۰۱؛ دارندل و هاج^{۱۲}، ۲۰۰۲؛ سام، اومن و نوردین^{۱۳}، ۲۰۰۵؛ هاسکینز و هاف^{۱۴}، ۲۰۰۵؛ آسان و کوکا^{۱۵}، ۲۰۰۶؛ یو و تسایی^{۱۶}، ۲۰۰۶)، اما اینکه چرا دختران نسبت به پسران از

-
1. Hill & Hannafin
 2. Joo, Bong & Choi
 3. Hasan
 4. Tella and et.al
 5. Linnebrink & Pintrich
 6. Miura
 7. Chen
 8. Collis & Williams
 9. Vooget
 10. Busch
 11. Teo
 12. Durndell & Haag
 13. Sam, Othman & Nordin
 14. Hoff & Hoskins
 15. Asan & Koca
 16. Wu & Tsai

اعتماد به نفس پایین تری نسبت به توانایی های خود دارند، به تأثیر متفاوت منابع خودکارآمدی بر باور افراد نسبت به توانایی خود بستگی دارد (بندورا، ۱۹۷۷). یافته های پژوهشی نشان می دهد منابع خودکارآمدی برای دختران و پسران بر حسب رشته های تحصیلی (زلدین و پاجارس^۱، ۲۰۰۰، حجازی و حصارى، ۱۳۸۶) و ارزش گذاری فرهنگی و اجتماعی متفاوت است که بر مبنای نگرش های جنسیتی رخ می دهد (کوپر، ۲۰۰۶). تحقیقات دیگر نشان داده است که نگرش به رایانه به عواملی نظیر عوامل اقتصادی و اجتماعی وابسته است که بسیاری از تحقیقات انجام شده چه در خارج و چه در داخل کشور نشان از تفاوت های جنسیتی در عملکرد افراد در کار با رایانه است (باستانی و میزبان، ۱۳۸۶). وجود کلیشه های جنسیتی منفی مهم ترین عامل کاهش خودکارآمدی رایانه و بازدهی پایین در کار با رایانه در دختران محسوب می شود، در صورتی که در پسران نبود کلیشه های جنسیتی منفی نسبت به آن ها سبب افزایش میزان بازدهی شان نسبت به دختران شده است. لی و کیرکوپ (۲۰۰۵) در پژوهشی دیگر نشان دادند، با اینکه باورهای کلیشه های جنسیتی منفی در دختران کاهش یافته و معتقد به برابری جنسیتی نسبت به مهارت های رایانه ای در این زمینه بوده اند؛ اما عملاً برتری پسران نسبت به دختران همتای خود در فعالیت ها و مهارت های اینترنتی هنوز پابرجا است، و به قول کالیز (۱۹۸۵) در این پارادوکس زنان در این لفظ که «ما می توانیم لیکن من نمی توانم» مشترک هستند.

کلیشه های جنسیتی که اغلب به صورت نقش ها و انتظاراتی تعریف می شود، به صورت مکرر انتظار می رود یک جنس در جامعه آن را ایفا کند یا آن گونه بیندیشد، متأثر از هنجارها، ارزش ها، باورها و نگرش های اجتماعی است. محققان بر اساس مطالعات و تحقیقات، استفاده کم تر دختران نسبت به پسران از اینترنت و رایانه (کوپر و یور، ۲۰۰۳) را ناشی از کلیشه های اجتماعی می دانند که مردان شایستگی بیش تری در کار با رایانه دارند (کچ و مولر و سیوردینگ، ۲۰۰۸: ۱۷۹۸). در واقع کلیشه ها تهدیدی برای کاهش خودپنداری و عملکرد افراد محسوب می شود (خمسه، ۱۳۸۳). به عنوان نمونه اسمیت، مورگان و وایت^۲ (۲۰۰۵) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که بر اساس کلیشه های جنسیتی زنان در کار با رایانه بدتر

-
1. Zeldin & Pajares
 2. Smith, Morgan & White



عمل می‌کنند. همچنین، محققان دریافتند افرادی که در گروه‌های اقلیت قرار می‌گیرند وقتی در معرض کلیشه‌های منفی راجع به کارشان قرار می‌گیرند، آسیب‌پذیر شده و در نتیجه کلیشه‌های منفی درونی پنهان شده در آن‌ها بارز شود (استیل ۱۹۹۷، استیل و آرانسون، ۱۹۹۵).

تحقیقات نشان می‌دهد با توجه به اینکه اکثر تحقیقات با موضوع تفاوت‌های جنسیتی در استفاده و نگرش به اینترنت در کشورهای غربی انجام شده است و نظر به نوپا بودن فناوری به‌ویژه در سازمان‌های آموزشی کشور و وجود ارزش‌ها و فرهنگ متفاوت در ایران، انجام دادن چنین تحقیقاتی پیش از پیش ضرورت دارد. شناخت از وضعیت و نوع استفاده، نگرش به اینترنت و دلایل اصلی استفاده نکردن از آن در دانشجویان با توجه به بافت فرهنگی که نسبت به دختران و پسران وجود دارد، باعث درک بهتر دست اندرکاران در زمینه‌های مختلف می‌شود و نتایج به‌دست آمده می‌تواند مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرد. لذا هدف اصلی این پژوهش بررسی تفاوت جنسیتی دانشجویان نسبت به نگرش و کاربرد اینترنت و رابطه آن با نوع استفاده از اینترنت بر مبنای خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی است. بدین منظور علاوه بر سنجش ارتباط بین متغیرهای مستقل با وابسته، تفاوت بین دو گروه دختر و پسر بررسی می‌شود.

روش پژوهش

روش پژوهش از نوع توصیفی و به طور دقیق‌تر از نوع تحقیقات همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانشجویان دختر و پسر دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد شاغل به تحصیل در دو دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی اصفهان بودند که در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ تعداد آن‌ها ۱۶۰۵۱ برآورده شده است. تعداد افراد نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه ۴۲۱ نفر برآورد شد که به شیوه طبقه‌ای نسبتی و خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و بین آن‌ها پرسشنامه‌ها توزیع شد که بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش، تعداد آن به ۴۰۴ نفر رسید.

نمونه‌گیری این پژوهش در دو مرحله انجام شد: در مرحله اول، نوع نمونه‌گیری طبقه‌ای لحاظ شد، بدین ترتیب که آزمودنی‌ها (بر اساس دو متغیر جنس و نوع دانشگاه به نسبت تعداد

دانشجویان در هر طبقه انتخاب شد. ۵۶ دانشجو از دانشگاه علوم پزشکی و ۳۶۵ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان (۱۲۴ پسر و ۲۸۰ دختر) انتخاب شدند. در مرحله دوم، نمونه‌گیری خوشه‌ای لحاظ شد بدین ترتیب که از بین دانشکده‌های مختلف علوم پزشکی دو دانشکده پزشکی و پرستاری، مامایی و نیز دو دانشکده از دانشگاه اصفهان یعنی دانشکده‌های فنی و مهندسی و روان‌شناسی و علوم تربیتی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در میان دانشجویان این دانشگاه‌ها به تعداد مورد نظر توزیع شدند.

در این پژوهش از پرسشنامه چهاربخشی استفاده شد: الف) اطلاعات جمعیت‌شناختی؛ ب) نحوه استفاده از اینترنت؛ ج) خودکارآمدی و د) کلیشه‌های جنسیتی. این پرسشنامه ۴۰ سؤال داشت که در زیر تعدادی از سؤالات هر بخش، نحوه تدوین آن‌ها، و چند سؤال از هر حیطه ذکر می‌شود:

الف) اطلاعات جمعیت‌شناختی: شامل ۶ سؤال بود و متغیرهایی مانند سن، جنس، نوع دانشکده، رشته تحصیلی و میزان استفاده از اینترنت را می‌سنجید.

ب) نحوه استفاده از اینترنت: این بخش از پرسشنامه شامل ۱۶ سؤال محقق ساخته بود که نحوه استفاده از امکانات اینترنتی نظیر موتورهای جستجو، ایمیل، دانلود، چت و گروه‌های خبری را می‌سنجید. این بخش از پرسشنامه با استفاده از ادبیات تحقیق و پژوهش قبلی محقق (زمانی، ۲۰۱۰) ساخته شد و شامل سؤالاتی نظیر «از اینترنت برای جستجوی اطلاعات علمی استفاده می‌کنم»، «از اینترنت برای ایجاد صفحات وب و نشر اطلاعات استفاده می‌کنم». «از اینترنت برای چت با دوستانم استفاده می‌کنم» «از اینترنت برای کسب خبر استفاده می‌کنم». «از اینترنت برای دانلود نرم‌افزارها استفاده می‌کنم» «از اینترنت برای ارتباط با متخصصان و صاحب‌نظران رشته تحصیلی ام استفاده می‌کنم». و سؤالات دیگر در ارتباط با استفاده از سایر امکانات مانند گروه‌های خبری و خدمات اینترنتی بود. روایی صوری این پرسشنامه با استفاده از نظرات صاحب‌نظران و متخصصان رسانه‌ها و تکنولوژیست‌های آموزشی تأیید شد و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۵ برآورد شد.

ج) خودکارآمدی، این بخش شامل ۱۰ سؤال بود که آیتم‌های این بخش از پرسشنامه براساس گویه‌های پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی دانیف و کافتروس^۱ (۲۰۰۲) تدوین شد که



علی زکی در پژوهشی در سال ۱۳۸۵ در ایران انجام داده بود و شامل سؤالاتی نظیر: «قدرت و شایستگی استفاده از اینترنت را به تنهایی (بدون کمک دیگران) دارم». «می‌توانم به اتناک چت رفته و به راحتی با دیگران ارتباط برقرار کنم». «می‌توانم یک آدرس الکترونیکی «ایمیل» ایجاد کنم». «می‌توانم از طریق ایمیل فایل‌های مورد نظر خود (عکس، مطلب) را به دیگران ارسال و یا از دیگران دریافت کنم». توانایی استفاده گوناگون از اینترنت را برای انجام دادن کارها و فعالیت‌های علمی آموزشی را دارم». «می‌توانم صفحه‌خانگی وب طراحی کرده و اطلاعات مورد نظرم را در آن منتشر کنم» و سؤالات دیگری درباره‌ی توانایی برای طراحی وب لاگ، تولید محتوای الکترونیکی و غیره. پایایی این مؤلفه از طریق مطالعه‌ی مقدماتی ارزیابی شد که از طریق آلفای کرونباخ، پایایی سؤالات تأیید شده است (۰/۹۲ در جدول ۱) که با مقایسه با ضریب پایایی به‌دست آمده برای پرسشنامه خودکارآمدی اینترنتی دانیف و کافتروس (۲۰۰۲)، برای ۱۸ گویه ۰/۹۶ محاسبه شده، سطح قابل قبولی داشت.

د) کلیشه‌های جنسیتی: این بخش شامل ۸ سؤال بود و شامل سؤالاتی نظیر: «معتقدم پسران در انجام دادن امور فنی و مهارت‌های رایانه‌ای نسبت به دختران عملکرد بهتری دارند». «معتقدم پسران نسبت به دختران در انجام دادن فعالیت‌های اینترنتی از خلاقیت، توانایی و مهارت بالاتری دارند» «معتقدم پسران نسبت به دختران در یادگیری و استفاده از اینترنت علاقه و انگیزه بیشتری دارند». «معتقدم فضای مجازی اینترنتی محیطی مردانه است». «بیش‌تر مشاغل مربوط به اینترنت مانند طراحی وب سایت، مدیریت شبکه‌ها، راه‌اندازی دوره‌های مجازی مهارتی مردانه، انجام و وارد کردن داده‌ها و تایپ مهارتی زنانه است». «معتقدم چت کردن در اینترنت سبب تخریب روحیه جوانان به‌ویژه دختران و زنان می‌شود». سایر سؤالات مواردی نظیر کلیشه‌های جنسیتی در دسترسی به رایانه و اینترنت و حمایت‌های جامعه بود. سؤالات مربوط به این قسمت با بررسی ادبیات تحقیق و مطالعات انجام شده (کوپر و ویور، ۲۰۰۳؛ کوپر، ۲۰۰۶؛ زمانی و عظیمی، ۲۰۱۱) و مصاحبه با دست‌اندرکاران و مسئولان آموزشی ساخته شد. برای سنجش روایی سؤالات این پرسشنامه از روایی محتوایی استفاده شد، بدین صورت که پس از اجرای فنون مربوط به ساخت پرسشنامه، ابزار مورد نظر آماده و با ارائه به پنج نفر از متخصصان و صاحب‌نظران مربوطه، روایی آن تأیید شد. پایایی این قسمت از پرسشنامه نیز از طریق مطالعه‌ی مقدماتی ۰/۷۹ برآورد شد. ضریب پایایی کل پرسشنامه ۰/۸۵ به‌دست آمد و نتایج

ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های پرسشنامه در جدول ۱ ملاحظه می‌شود.

جدول ۱: چگونگی توزیع پایایی پرسشنامه در هر حیطه

نوع پرسشنامه	اعتبار سؤالات هر حیطه	حیطه‌ها
محقق ساخته با استفاده از ادبیات و پیشینه تحقیق	۰/۸۵	نوع استفاده از اینترنت) موتورهای جستجو و وب، ایمیل، چت، دانلود، گروه‌های خبری)
آیتم‌هایی از سؤالات دانیف و کافتروس (۲۰۰۲)	۰/۹۲	خودکارآمدی اینترنت
محقق ساخته با استفاده از ادبیات و پیشینه تحقیق	۰/۷۹	کلیشه‌های جنسیتی

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مربوط به سؤال‌های پژوهش تحت‌عنوان تعیین رابطه بین خرده مقیاس‌های نگرش بر مبنای خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی درک شده با کاربرد ابزارهای اینترنتی در جدول ۲، یافته‌های مربوط به مقایسه میانگین تفاوت دو جنس در انواع خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی درک شده در جدول ۳، نتایج مقایسه میانگین نوع کاربرد اینترنت در دختران و پسران در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

شاخص	منبع	وب و موتورهای جستجو	ایمیل	دانلود	چت	گروه‌های خبری
همبستگی سطح معناداری	خودکارآمدی درک شده	۰/۶۵	۰/۵۵	۰/۳۴	۰/۵۲	۰/۳۶
همبستگی سطح معناداری	کلیشه‌های جنسیتی درک شده	۰/۳۳	۰/۳۳	-۰/۰۲	۰/۲۹	۰/۱۵
همبستگی سطح معناداری	کلیشه‌های جنسیتی درک شده	۰/۳۳	۰/۳۳	-۰/۰۲۰	۰/۲۹	۰/۱۵
		۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲



نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، در سطح بین خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی درک‌شده با کاربرد ابزارهای گوناگون اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد ($P \leq 0/05$). تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، هرچه دانشجویان اعتماد بیش‌تری به توانایی‌ها خود داشته باشند به همان نسبت میزان استفاده آن‌ها در کاربست امکانات اینترنتی گسترده‌تر و متنوع‌تر خواهد بود. در حالیکه بین کلیشه‌های جنسیتی با نوع استفاده از دانیود همبستگی معناداری مشاهده نشد، با افزایش فقدان سوگیری جنسیتی نسبت به فناوری، تمایل دانشجویان به استفاده از اینترنت افزایش می‌یابد.

جدول ۳: مقایسه میانگین خرده مقیاس‌های نگرشی دو گروه دانشجویان دختر و پسر بر مبنای خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی درک شده نسبت به کاربرد امکانات اینترنتی

خرده مقیاس‌های نگرشی	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
خودکارآمدی درک‌شده	پسر	۳۷/۷۱	۷/۹۲	۵/۰۳	۰/۰۰۱
	دختر	۳۲/۸۵	۹/۳۸		
کلیشه‌های جنسیتی درک شده	پسر	۱۹/۴۰	۵/۳۱	۲/۴۲	۰/۰۲
	دختر	۲۰/۷۷	۵/۱۶		

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، بین میانگین دو گروه دانشجویان دختر و پسر نسبت به کاربرد امکانات اینترنتی در خرده مقیاس‌های نگرشی خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی ($P \leq 0/05$) تفاوت معناداری وجود دارد. بررسی میانگین دو گروه نشان می‌دهد دانشجویان پسر در خرده مقیاس خودکارآمدی نسبت به کاربرد اینترنت از نگرش مثبت‌تری بهره‌مند بوده و از کلیشه‌های جنسیتی منفی کم‌تری نیز بهره‌مند بودند.

جدول ۴: تحلیل واریانس چند متغیری مقایسه میانگین نوع کاربرد اینترنت در دو گروه دانشجویان دختر و پسر

ضرب اتا	سطح معناداری	F	دختر		پسر		امکانات و نوع استفاده از اینترنت
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۲	۰/۰۰۲	۹/۳۰	۴/۱۲	۱۷/۱۲	۴/۰۴	۱۸/۴۳	استفاده از وب و موتورهای جستجو
۰/۰۳	۰/۰۰۴	۸/۳۶	۳/۸۴	۸/۵۹	۳/۹۱	۹/۸۰	ایمیل
۰/۰۰۱	۰/۰۶۴	۰/۲۲	۲/۱۸	۴/۱۰	۲/۲۷	۳/۹۹	دانلود
۰/۰۳	۰/۰۰۲	۱۰/۲۰	۲/۵۹	۵/۵۲	۲/۶۷	۶/۴۳	چت
۰/۰۰۱	۰/۰۵۶	۰/۳۳	۱/۰۹	۱/۶۱	۱/۰۴	۱/۶۸	گروه‌های خبری

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، بین میانگین دو گروه دانشجویان دختر و پسر در خصوص نوع کاربرد اینترنت در حیطه‌های موتورهای جستجو و وب، ایمیل، چت تفاوت معناداری وجود دارد ($P \leq 0/05$). در حالی که در خصوص دانلود و گروه‌های خبری این تفاوت معنادار مشاهده نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

سرعت بالای اینترنت و سهم شدن اطلاعات، همچنین نگرش نسبت به این ابزار در جمعیت دانشجویی برای افزایش بهره‌وری آن‌ها مورد توجه سیاستگذاران نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی در سراسر جهان بوده است. به طوری که استفاده از اینترنت به‌عنوان یک الگوی جدید آموزشی به‌طور گسترده به یک رقیب جدی برای یادگیری چهره به چهره تبدیل شده است (سادی و کرا، ۲۰۰۹).

لیکن نائل شدن به بهره‌وری مورد انتظار و مزایای این رویکرد برای دانشجویان و مؤسسات آکادمیک در صورت اجرا نکردن و به‌کارگیری مؤثر آن، حاصل نخواهد شد (ایواری



و ارواستی^۱؛ ۱۹۹۴؛ سادی و کرا، ۲۰۰۹). در همین راستا یکی از تمرکزهای اصلی پژوهش حاضر شناخت و آگاهی از نگرش نسبت به به کارگیری اینترنت و رابطه آن با نحوه استفاده از این فناوری در دختران و پسران در آموزش عالی بود. مطالعات متعددی نشان می‌دهد نگرش مثبت و مطلوب دانشجویان نسبت به توانایی‌های خود (خود کارآمدی درک شده تمایل رفتار واقعی کاربران از اینترنت را افزایش می‌دهد) دیویس، باگزی و وارشاو، ۱۹۸۹؛ ایگبار، ایواری، ۱۹۹۵؛ کامپیو، هگینز، ۱۹۹۵؛ هیل، هانفین، ۱۹۹۷؛ جو، بونگ و چوی، ۲۰۰۰؛ هسو، چیو، ۲۰۰۳؛ یی، هانگ، ۲۰۰۳؛ لی و چانگ و چن، ۲۰۰۳؛ حاسن، ۲۰۰۶؛ تلاو و همکاران، ۲۰۰۷).

یافته‌های استنباطی (جدول ۲) پژوهش حاضر در راستای پژوهش‌های پیشین، معرف آن است که ارتباط معناداری بین نگرش دانشجویان نسبت به خود کارآمدی اینترنتی با کاربرد اینترنت وجود دارد و ارتباط مذکور از نظر آماری ($P = 0/001$) معنادار شده است. همچنین مقیاس دیگر که میزان و حتی نگرش‌های کاربران را نسبت به فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی همانند رایانه و اینترنت تحت تأثیر قرار می‌دهد، وجود کلیشه‌ها یا نگرش‌های جنسیتی نسبت به رایانه در کاربران است که با میزان اعتماد به توانمندی‌ها و نگرش دختران و پسران دانشجو نسبت به کاربرد رایانه رابطه معنادار گزارش شده است (شعشانی و خلیلی، ۲۰۰۱؛ کچ و همکاران، ۲۰۰۸). یافته‌های آماری (جدول ۲) پژوهش حاضر نیز در راستای تحقیقات قبلی نشان از رابطه معنادار بین افزایش فقدان سوگیری کلیشه‌های جنسیتی با نوع کاربرد اینترنت است ($P = 0/001$)؛ بدین معنا که هر چه نگرش دانشجویان به فقدان سوگیری‌های جنسیتی افزایش یابد، به همان نسبت استفاده از اینترنت به‌طور متنوع افزایش خواهد یافت؛ اما آنچه در بیان نگرش‌های جنسیتی باید افزود این است که هدف از ارائه کلیشه‌ها لزوماً باورهای محتوای کلیشه‌های موجود در اجتماع نیست، بلکه پیش‌بینی عملکرد افرادی است که تحت تأثیر این کلیشه‌ها قرار گرفته‌اند. موضوع تأمل برانگیز این است که نوع کلیشه‌ها (منفی یا مثبت) در دو گروه دختران و پسران بسیار متفاوت عمل می‌کند. افرادی که باور داشته باشند محتوای کلیشه‌ها مثبت است، نتایج پربراری در عملکرد آن‌ها خواهد بود، مثلاً پسرانی که باور دارند که تکنولوژی در حیطه و قلمرو آن‌ها است (فعالیتی مردانه) خود را از مزایای آن بیش‌تر بهره‌مند می‌کنند. والدین، مربیان و دیگر عوامل ایجاد فرایند اجتماعی از راه‌های گوناگون، احساسات

مثبتی دربارهٔ رایانه به پسران می‌دهند (کوپر، ۲۰۰۶)، همانند رایانه فرصت مناسب برای مردان است، مردان مهندسان بهتری در علوم رایانه هستند، پسران از توانایی و استعداد بیش‌تری در علوم رایانه‌ای دارند و غیره (لی و کیرکوپ، ۲۰۰۵)؛ این عوامل باعث می‌شود پسران با واکنش‌های مثبت به شیوه‌های گوناگون، با رایانه کار کنند و تصورات مثبتی دربارهٔ آن داشته باشند؛ اما این امر در دختران به گونه‌ای متفاوت به کار برده می‌شود. خانواده با ارائه و نگرش متفاوت همچون یادگیری رایانه برای دختران دشوار است، دختران در استفاده از فناوری اطلاعات فاقد اعتماد به نفس هستند (زمانی، ۲۰۱۰، الف و ب) و مواردی از این قبیل وقتی از طرف والدین و مربیان و اجتماع نهادینه می‌شوند، باعث می‌شود دختران همواره از آن دوری جسته و نگرش منفی نسبت به آن داشته باشند؛ این امر حتی دربارهٔ دخترانی که در کار با رایانه توانمند هستند نیز باعث کاهش عملکرد آن‌ها در آن حیطهٔ خاص می‌شود (کوپر، ۲۰۰۶). با وجود این، پژوهش‌هایی که نقش کلیشه‌های جنسیتی را در کاربرد فناوری اطلاعات و خودکارآمدی کاربران به‌ویژه اینترنت بررسی کرده باشند بسیار اندک است و این امر بیش‌تر در مضامین دروس و رشته‌هایی همانند ریاضی و مشاغل مرتبط آن اثبات شده است. با توجه به این امر، یکی دیگر از ابعاد پژوهش حاضر شناخت و اهمیت این امر که آیا عملکرد دختران نیز، مانند نتایج سایر پژوهش‌ها، تحت تأثیر کلیشه‌ها قرار می‌گیرد یا خیر؟ با این هدف، موضوع حاضر بررسی شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد تفاوت جنسیتی معناداری در زمینهٔ نگرش دانشجویان نسبت به کاربرد اینترنت بر مبنای خودکارآمدی بر اساس یافته‌های استنباطی (جدول ۳) $P=0/001$ و کلیشه‌های جنسیتی $P=0/02$ و همچنین نحوهٔ استفاده از وب و موتورهای جستجو $P=0/002$ ، ایمیل $0/004$ $P=$ و چت $P=0/002$ (جدول ۴) وجود دارد. به عبارتی دانشجویان پسر در جواب به پرسشنامهٔ حیطهٔ کلیشه‌های جنسیتی در پژوهش حاضر نگرش مثبت‌تری نسبت به اینترنت داشته و بیش از دختران همتای خود از اینترنت استفاده می‌کردند. یعنی زمانی که از دانشجویان در آیتم‌های که مربوط به زمینهٔ اعتماد به نفس آن‌ها دربارهٔ مهارت و توانمندی‌های آن‌ها در کار با اینترنت بود به صورت کتبی سؤال می‌شد؛ پسران اعتماد به نفس بیش‌تری نسبت به هم‌تایان دختر داشته و ادعان داشتند در کار با اینترنت نیز احساس لذت و راحتی بیش‌تری کسب می‌کنند که با یافته‌های (زمانی ۱۳۸۵ به نقل از فتلر، ۱۹۸۵؛ میورا، ۱۹۸۶؛ چن، ۱۹۸۹؛ کالیز، ویلیامز، ۱۹۸۷؛



وگت، ۱۹۸۷؛ بوش، ۱۹۹۵؛ دارندل، هاج ۲۰۰۲؛ لی و کیرکوپ ۲۰۰۵؛ هاسکینز، هاف، ۲۰۰۵؛ یو، تسایی، ۲۰۰۶) در زمینه خودکارآمدی رایانه و اینترنت همسویی دارد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که یکی از دلایلی که می‌تواند نگرش و نحوه استفاده دانشجویان دختر را در کار با اینترنت تحت تأثیر منفی قرار دهد، پایین بودن اعتماد به نفس برخاسته از کلیشه‌های فرهنگی و اجتماعی در دختران نسبت با کار اینترنت است (هر چند پژوهش حاضر رابطه بین کلیشه‌های جنسیتی و تأثیر آن بر خودکارآمدی، سپس تأثیر این عوامل واسطه‌ای را بر نوع استفاده از اینترنت مستقیماً در دختران و پسران بررسی نکرد، که یکی از محدودیت‌های پژوهش کنونی است، لیکن پاسخ کاربران پژوهش حاضر نشان می‌دهد دخترانی که بیش تر به کلیشه‌های جنسیتی منفی نسبت به کاربران زن معتقد بوده‌اند «اینکه مردان مهارت و توانمندی بیش تری در کار با رایانه برخوردار بوده» یا «محیط مجازی اینترنت محیطی مردانه دارند» از اعتماد به نفس و خودکارآمدی کم تری در کار با اینترنت بهره‌مند بودند و به همان نسبت از اینترنت کم تر لذت می‌بردند و از آن کم تر استفاده می‌کردند. کنزی و دلکورت (۱۹۹۱)؛ الیور و شاپیرو (۱۹۹۳) معتقد هستند، افرادی که از خودکارآمدی رایانه پایین تری بهره‌مند هستند یا نسبت به توانایی خود در کار با رایانه تردید دارند و خود را کاربران با صلاحیت و شایسته‌ای در کار با رایانه نمی‌بینند، احتمالاً تمایل کم تری به استفاده از رایانه دارند. که با یافته‌های اسمیت، مورگان و وایت (۲۰۰۵) همسو است. نتایج پژوهش های استیل (۱۹۹۵) نیز نشان داد؛ باورپذیری فرهنگی دختران نسبت به توانمندی و برتری مردان در ریاضی به پایین آمدن عملکرد آنها نسبت به انجام دادن آزمون ریاضی منجر می‌شود، این امر حتی در مطالعات شبه تجربی کچ و مولر و سیوردینگ (۲۰۰۸) نسبت به عملکرد دختران در کار با رایانه نیز تأیید شده است. ادمی بوی، فلین و دارلینگتون^۱ (۲۰۰۴) معتقد است تا زمانیکه زنان این نگرش را نسبت به مردان داشته باشند که مردان در سطح بالاتری از زنان قرار دارند و آنها نمی‌توانند در مشاغل مرتبط به این فناوری اشتغال داشته باشند (به نقل از مورگان و همکاران) همواره عقب‌ماندگی زنان را در این حیطه در پی خواهد داشت. به این دیدگاه این نکته را نیز باید افزود که در ذکر یکی از دلایل اصلی وجود کلیشه‌های جنسیتی منفی درونی شده در دختران، که در پژوهش حاضر بررسی نشده است، می‌توان به ارزش‌گذاری خانواده بر اساس جنسیت

اشاره کرد که برخی از مطالعات نشان می‌دهد که کلیشه‌های جنسیتی در دختران تحت تأثیر نگرش والدین است (زمانی ۱۳۸۵، ۲۰۱۰؛ کوپر و ویور، ۲۰۰۳-۲۰۰۶) که این کلیشه‌ها با توجه به سطح تحصیل والدین و نوع شغل والدین معنادار ذکر شده است (شعشانی و خلیلی، ۲۰۰۱). البته بررسی عواملی دیگر چون سابقه کار با رایانه و اینترنت، وضعیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی والدین و آگاهی از نگرش والدین و تأثیر مستقیم و غیر مستقیم هر کدام از این متغیرها بر سازه‌های نگرشی خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی بر نوع و میزان استفاده با بهره‌گیری از مدل کوپر (۲۰۰۶) وجود دارد که در این پژوهش به آن‌ها توجه نشده است و لازم است که پژوهشگران در پژوهش‌های بعدی به تأثیر و ارتباط این متغیرها توجه کنند.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه سازه‌های نگرشی نقش مهمی را در پیش‌بینی، استفاده موفقیت‌آمیز و رضایت‌بخش کاربران در عرصه آموزش‌های نوین اینترنتی ایفا می‌کنند و با توجه به گسترش روز افزون اهمیت آموزش‌های مجازی و غیرحضوری، لازم است با توجه به نقش کلیشه‌های جنسیتی و عوامل نگرشی نسبت به فرهنگ‌سازی صحیح اقدام کرده و با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و استفاده از اساتید زن در تدریس این کارگاه‌ها در تغییر نگرش‌ها و همچنین از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی در دانشجویان نسبت به استفاده از رایانه و اینترنت اقدام کنند. همچنین توصیه می‌شود سازمان‌های آموزش و پرورش و همچنین اداره ارشاد نیز با توجه به موارد یاد شده به فرهنگ‌سازی و از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی اقدام کند و از روش‌هایی نظیر:

- فراهم کردن امکانات آموزشی یکسان فارغ از جنسیت افراد
- مشخص تر کردن نقش زنان در حیطه‌های فناوری اطلاعات از طریق رسانه‌ها به‌ویژه رادیو و تلویزیون
- استفاده از زنان متخصص و موفق در رشته‌های فناوری اطلاعات در دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزشی
- با در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی زنان و طراحی سایت‌ها براساس علایق و انگیزه‌های آن‌ها، برای استفاده هر چه بیش‌تر بانوان در کاهش تفاوت‌های جنسیتی گام بردارند.



منابع

- باستانی، سوسن و میزبان، شهناز (۱۳۸۶). «شکاف جنسیتی در کاربرد کامپیوتر بررسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران». *مطالعات زنان*. ۵(۱): ۴۵-۶۴.
- حجازی، الهه، ذبیحی حصارى و نرجس خاتون (۱۳۸۶). «نظریه‌های هوش و باورهای خودکارآمدی: مقایسه تطبیقی بر اساس جنسیت و رشته». *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*. ۳۷(۴): ۶۱-۸۱.
- خسروی، زهره (۱۳۸۲). *مبانی روان‌شناختی جنسیت*. تهران وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه الزهراء.
- خمسه، اکرم (۱۳۸۳). «بررسی طرح واره‌های نقش جنسیتی و کلیشه‌های جنسیتی فرهنگی دانشجویان دختر». *مطالعات زنان*. ۲(۶): ۱۱۵-۱۳۴.
- زکی، محمد علی (۱۳۸۵). «آزمون و اعتبار یابی مقیاس نگرش‌های دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و اصفهان به اینترنت». *فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات*. ۲۲(۲/۱): ۲۹-۵۸.
- زمانی، بی بی عشرت (۱۳۸۵). *نابرابری جنسیتی در آموزش رایانه*. مجموعه مقالات همایش ملی و چالش‌های پیش روی زنان. جلد سوم. ایلام: برگ آذین.
- کمیسیون ملی یونسکو (۱۳۸۴). *مسائل جنسیتی در جامعه اطلاعاتی*. ترجمه حمید جاودانی. تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- کمیسیون ملی یونسکو (۱۳۸۴). *وضعیت تحقیق در جامعه اطلاعاتی*. ترجمه تاج‌الملوک ارجمند. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- مزینی، امیر حسین (۱۳۹۲). *بررسی اثر نسبی فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر نابرابری جنسیتی (مطالعه بین کشوری بازار کار)*. *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*; ۱۱ (۲): ۲۸-۷.
- یعقوبی هاشجین، سیده فاطمه (۱۳۹۲). *تأثیر تبعیض جنسیتی ادراک شده بر سلامت روان زنان*. *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*. ۱۱ (۳): ۲۶-۷.

Adeboye, K., Flynn, V., and Darlington, K. (2004). Gender Issues in the Career Development of Computer Science Staff. In K. Morgan, C.A. Brebbia, J. Sanchez, A. Voiskounsky (Eds.), *Human Perspectives in the Internet Society*:

- Culture, Psychology and Gender*. 172-165. WIT Press: Southampton, Boston.
- Asan, A., and Koca, N. (2006). "An Analysis of Students' Attitudes towards Internet." *Current Developments in Technology-Assisted Education*: 2120-2124.
- Banerjee, S., Kang, H. & Bagchi-Sen, S. (2005). Gender Divide in the Use of the Internet Applications. *Journal of E-Business Research*. 1(2): 39-24.
- Brannon, L. (1999). *Gender, psychological perspective Boston*. Allrn Bacon.
- Bundura, A. (1997). "Self- Efficacy: toward a unifying theory of behavioral change. *Psychologist* 37: 122-147.
- Busch, T. (1995). "Gender differences in self-efficacy and attitudes toward computers." *Journal of Educational Computing Research* ,12 (2): 147-158.
- Campeau, D. R., & Higgins, C. A. (1995). "Computer self-efficacy: development of a measure and initial test." *MIS Quarterly* 19 (2): 189-211.
- Cassidy, S., & Eachus, P. (2002). "Developing the computer self efficacy (CUSE) scale: Investigating the relationship between computer self efficacy, gender and experience with computers." *Journal of Educational Computer Research* ,26(2): 169-189.
- Chen, M. (1989). "Gender and Computer: The Beneficial Effects of Experience on Attitudes." *Journal of Educational Computing Research* 2(3): 265-282.
- Chowdhury, M. S., & Shahabuddin, A. M. (2007). "Self-efficacy, motivation and their relationship to academic performance of Bangladesh College Students." *The College Quarterly, Seneca College of Applied Arts and Technology* 10 (1).
- Collis, B. A., & Williams, R. L. (1987). "Differences in adolescents' attitudes toward computers and selected school subjects." *Journal of Educational Computing Research*, 8: 17-27.
- Collis, B. A., Kass, U. & Kieren, T. E. (1989). "National trends in computer use among Canadian secondary school students: implications for cross-cultural analyses." *Journal of Research on Computing in Education*, 22(6): 77-89.
- Collis, B. A. (1985). Psychosocial Implications of Sex Differences in Attitudes toward Computers: Results of a Survey International. *Journal of Women's Studies*. 8(3): 207-213.
- Cooper, J. (2006). "The digital divide: The special case of gender." *Journal of Computer Assisted Learning* 22: 320-334.
- Cooper, J., and Weaver, K. D. (2003). *Gender and computers, Understanding the digital divide*. Erlbaum, New York.
- Davis, F. D., R. P. Bagzzi & P. R. Warshaw. (1989). "User acceptance of computer technology: a comparison of two theoretical models." *Management science* 35(8): 982- 1003.
- Dinev, T. & Koufteros, X. (2002). "Self-efficacy and Internet usage measurement and factorial validity." *Decision Sciences Institute Conference. San Diego*. (<http://www.fau.edu/>).
- Durndell, A., & Haag, Z. (2002). "Computer self efficacy, computer anxiety, attitudes towards the Internet and reported experience with the Internet, by gender, in an East European sample." *Computers in Human Behavior*, 18 (5): 521-535.
- Fetler, M. (1985). "Sex differences on the California statewide assessment of



- computer Literacy." *Sex Roles: journal of Research* 13: 181-191.
- Fishbein, M., & Ajzen, I. (1975). "Belief, attitude, intention and behavior: An introduction to theory and research. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Hasan, B. (2006). "Delineating the effects of general and system-specific computer self-efficacy beliefs on IS acceptance." *Information & Management*: 565-571.
- Hill, J. R., & Hannifin, M. J. (1997). "Cognitive strategies and learning from the World Wide Web." *Educational Technology Research and Development*, 47: 37-64.
- Hill, T., Smith, N. D. & Mann, M. F. (1987). "Role of self-efficacy expectations in predicting the decision to use advanced technologies: The case of computers." *Journal of Applied Psychology* 72 (2): 307-313.
- Hoskins, S. L., & van Hooff, J. C. (2005). "Motivation and Ability: which students use online learning and what influence does it have on their achievement?" *British Journal of Educational Technology*. 36 (2): 177-192.
- Hsu, M. H., & Chiu, C. M. (2003). "Internet self-efficacy and electronic service acceptance." *Decision Support Systems*. 38(3): 369-381.
- Igbaria, M., and Iivari, J. (1995). *The effects of self-efficacy on computer usage*, *Omega*. 23(6): 587-605.
- Ivori, J., & Ervasti, I. (1994). "User information satisfaction: IS implement ability and effectiveness." *Information Management*, 27(4): 205-220
- Joo, Y. J., Bong, M., & Choi, H. J. (2000). "Self-efficacy for self-regulated learning, academic self-efficacy, and Internet self-efficacy in Web-based instruction." *Educational Technology Research and Development*, 48: 5-17.
- King Yee, H. S., Luan, W. S., Mohd Ayub, A. F. & Mahmud, R. (2009). "A Review of the Literature: Determinants of Online Learning among Students." *European Journal of Social Sciences* 8(2): 246-252.
- Kinzie, M. B., and Delcourt, M. A. B. (1991). "Computer technologies in teacher education: The measurement of attitudes and self-efficacy." *Paper presented at annual meeting of the American Education Research Association*, Chicago. (ERIC Document No. ED 331- 891).
- Koch, C. S. Muller, M. S. & Sieverding, M. (2008). "Women and computers. Effects of stereotype threat on attribution of failure." *Computers & Education* 51(4): 1795-1803.
- Lee, M. K. O., Cheung, C. M. K., & Chen, Z. (2003). "Acceptance of Internet-based learning medium: the role of extrinsic and intrinsic motivation." *Information & Management*. 42 (8): 1095-1104.
- Lent, R. W., Brown, S. D. & Larkin, K. C. (1987). "Comparison of three theoretically derived variables in Predicting career and academic behaviour: Self-efficacy, interest congruence, and consequence thinking." *Journal of Counseling Psychology* 34: 293-298.
- Li, N., & Kirk up, G. (2005). "Gender and cultural differences in Internet use: A study of China and the UK." *Computers & Education*, 48 (2): 301-317.
- Liaw, S. S., Huang, H. M. & Chen, G. D. 2007. "Surveying instructor and learner attitudes toward elearning." *Computers & Education*, 49: 1066-1080.
- Linneenbrink, F. A., & Pintrinch. P. R. (2003). "The role of self-efficacy beliefs in student engagement and learning in the classroom." *Reading and Writing*

- Quarterly*. (19): 137-119.
- Marie, K. (2006). "Examining an instructional strategy: relationship between feedback, performance and self- efficacy in a first year mathematics course." Conference Proceedings of AERA. Available at: (www.sfu.ca/rethinkingteaching/publications/krbavacAERA.pdf.) Retrieved on January.
- Miura, I. T. (1986). "Understanding gender differences in middle school computer interest and use." Paper presented at the annual meeting of the American Educational Research Association. San Francisco, CA. (April), ERIC ED: 248-273..
- Oliver, T. A., and Shapiro, F. (1993). "Self-efficacy and computers." *Journal of Computer-Based Instruction*, 20: 81-85.
- Saadé, F. G. & Kira, D. (2009). Computer Anxiety in E-Learning: The Effect of Computer Self-Efficacy. *Journal of Information Technology Education*. 8: 182-180.
- Sam, H. K., Othman, A. E. A. & Nordin, Z. S. (2005). "Computer Self-Efficacy, Computer Anxiety, and Attitudes toward the Internet: A Study among Undergraduates in Unimas." *Educational Technology & Society*, 8 (4): 205-219.
- Shashaani, L. & Khalili, A. (2001). "Gender and computers: similarities and differences in Iranian college students' attitudes toward computers." *Computers & Education* 37 (3/4): 363-375.
- Sherman, R. C. End Kraam, E. & Cole, A. (2000). "The Internet gender gap among college students: Forgotten But not gone?" *Cyber Psychology & Behavior* 3(5): 885-894.
- Smith, J. L., Morgan, C. & White, P. H. (2005). "Investigating a measure of computer technology domain identification: A tool for understanding gender differences and stereotypes." *Educational and Psychological Measurement* 65(2): 336-355.
- Steele, M. (1997). "A threat in the air. How stereotypes shape intellectual identity and performance." *American Psychologist*. 52 (6): 629-613.
- Steele, M., and Aronson, J. (1995). "Stereotype threat and the intellectual test performance of African Americans." *Journal of Personality and Social Psychology* 69: 797-811.
- Tell, A., Tella, A., Ayeni, C. O & Omoba, R. O. (2007). "Self-Efficacy and Use of Electronic Information as Predictors of Academic Performance." *Electronic Journal of Academic and Special Librarianship*. 8(2).
- Teo, T. S. H. (2001). "Demographic and motivation variables associated with Internet usage activities." *Journal Internet Research: Electronic Networking Applications and Policy*. 11 (2): 137-125
- Venkatesh, V., & Davis, F. D. (1996). "A model of the antecedents of perceived ease of use: Development and test." *Decision Sciences* ,27(3): 481-451.
- Voogt, J. (1987). "Computer Literacy in Secondary Education: The Performance and Engagement of Girls." *Computer and Education*, 11: 305-312.
- Walkerdine, V. (1990). *Schoolgirl fictions*. London: Verso.
- Witte, J. C. Amoroso, L. A. & Howard, P. E. N. (2000). Method and Representations in Internet-Based Survey Tools: Mobility Community, and



- Cultural Identity in Survey 2000. *Social Science Computer Review*. 18(2): 195-179
- Wu, Y.T., and Tsai, C. C. (2006). "University students' Internet attitudes and Internet self-efficacy: a study at three universities in Taiwan." *Cyber Psychology & behavior* 9(4): 441-450.
- Yi, M. Y.& Hwang, Y. J. (2003). "Predicting the use of web-based information systems: self-efficacy, enjoyment, learning goal orientation, and the technology acceptance model." *International Journal of Human-Computer Studies*. 59: 449-431.
- Zamani, B. E, (2010a). Successful Implementation factors for using computers in Iranian schools during one decade, *Computers & Education*, (1995-2005. *Computers & Education*. 54 (1): 59-68.
- Zamani, B. E, (2010b). Challenges for using ICT in schools of developing countries, *Journal of Education Research*. 4(2): 155-186.
- Zeldin, A. L., and Pajaraes, F. (2000). "Against the ODDS: self- efficacy beliefs of women in mathematical, scientific and, Technological Careers." *American Educational Research Journal*. 37: 215-246.
- Zamani, B.E & Azimi, S.A (2011). *Cultural and ethical issues in using computers, in Kutais, B.G. Internet policies and issues, Nova science publishers: New York*

نویسندگان

بی‌بی عشرت زمانی

bzamani@edu.ui.ac.ir

دانشیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، دکتری تکنولوژی آموزشی از دانشگاه تورنتو کانادا، حوزه تخصصی او کاربرد فناوری‌های نوین در آموزش، یادگیری الکترونیکی و طراحی محیط‌های مجازی، یادگیری‌های سیار و پیامدهای مثبت و منفی کاربرد این فناوری‌ها است. بیش از ۱۵۰ مقاله را در مجلات معتبر علمی پژوهشی داخل و خارج از کشور و همایش‌های بین‌المللی، ملی و داخلی به چاپ رسانده است. همچنین دارای کتاب‌های تألیفی با همکاری سایر نویسندگان است که اکثر آن‌ها توسط انتشارات نووا ساینس آمریکا به چاپ رسیده است. علاوه بر تألیف در ترجمه ۴ کتاب در رشته تخصصی خود با نام‌های تکنولوژی آموزشی: تعریف و تفسیری جدید، یادگیری الکترونیکی از تئوری تا عمل، تدریس مؤثر با استفاده از فناوری در آموزش عالی، نظام جامع یادگیری الکترونیکی با انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان همکاری داشته است. علاوه بر این، در اجرای طرح‌های پژوهشی ملی، داخلی و همچنین طرحی با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران ریاست جمهوری ایران به‌عنوان مجری طرح همکاری داشته است. در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۱ به‌عنوان پژوهشگر نمونه استان اصفهان و در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۸۹ به‌عنوان پژوهشگر نمونه در گروه علوم تربیتی معرفی شده است.

لیلا دهقانی پوده

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دوره برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان، که پایان‌نامه ارشد را با موضوع بررسی مقیاس‌های نگرش دانشجویان بر کاربرد اینترنت در دانشگاه‌های اصفهان و علوم پزشکی برحسب مؤلفه‌های دموگرافیک در سال ۱۳۸۹ دفاع کرده است.